

ارزیابی رابطه بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر (مطالعه موردی: محله‌های خیرآباد و عیش‌آباد شهر یزد)

صفر قائد رحمتی* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
صدیقه جمشیدی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۸/۰۵

چکیده

کیفیت زندگی، مفهومی برای نشان‌دادن میزان رضایت فرد از زندگی و به عبارتی معیاری برای تعیین رضایت و نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی است. این ابعاد، زمینه‌های تغذیه‌ای، آموزشی، بهداشت، امنیت و اوقات فراغت را شامل می‌شود. از سوی دیگر، امروزه در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه، مباحث کیفیت زندگی به‌عنوان یک اصل اساسی، پیوسته مورد نظر برنامه‌ریزان و مدیران توسعه است. با این توصیف، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر یزد و بررسی ارتباط میان شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر یزد، درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست که میزان کیفیت زندگی، از نظر جامعه نمونه در دو محله خیرآباد و عیش‌آباد چگونه است و آیا بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در دو محله مورد مطالعه رابطه وجود دارد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و فرم برداشت میدانی، از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون T، آزمون U مان ویتنی و آزمون خی دو) در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، دو روستای ادغام‌شده در شهر یزد (خیرآباد و عیش‌آباد) با جمعیت ۱۱۰۵۴ نفر است که در این بین، ۳۷۰ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که براساس دیدگاه جامعه نمونه، به‌طور کلی، میزان رضایت در همه ابعاد مورد بررسی، کیفیت زندگی (اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است و تنها در تعدادی از گویه‌ها، از جمله امنیت اماکن عمومی، میزان وقت آزاد، تسهیلات مناسب منزل و وضعیت زیرساخت‌ها، میزان رضایت ساکنان تا حدودی بالاتر از متوسط ارزیابی شده است. همچنین براساس نتایج آزمون کای اسکویر، بین شاخص‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر یزد رابطه‌ای وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: روستاهای ادغام‌شده در شهر، کیفیت زندگی، محله خیرآباد، محله عیش‌آباد.

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی، سهم جمعیت شهرنشین را به شدت افزایش داده و شهرنشینی را به شیوه غالب زندگی تبدیل کرده است. اگرچه شهر و شهرنشینی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود، رشد شتابان آن، سرانه برخورداری از بسیاری از امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش می‌دهد و پیامدهای آن به صورت کاهش سطح کیفیت زندگی، در عرصه‌های مختلف شهری نمایان می‌شود؛ بنابراین، مقوله کیفیت زندگی شهری، از جمله نخستین محورهای پژوهشی بود که همراه با رشد شهری، متخصصان مسائل شهری به تدریج از سال ۱۹۳۰ میلادی به آن توجه کردند (علی‌اکبری و امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). این رشد شتابان در دهه‌های اخیر سبب شده است که ساخت فضایی-کالبدی شهرها گسترش یابد و سکونتگاه‌های روستایی که در اطراف این‌گونه مراکز شهری استقرار یافته‌اند، در معرض گسترش کالبدی شهر قرار گیرند و با چالش‌های دوسویه زیر روبه‌رو شوند:

۱. به دلیل گسترش و پیشروی کالبدی شهر، روستاهای اطراف در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار گیرند.

۲. متأثر از تحول‌های اقتصادی-اجتماعی و نیروهای بیرونی، کالبد درونی روستا در معرض فروپاشی و ازهم‌گسیختگی ساختاری-کارکردی قرار گیرد (صرافی، ۱۳۷۹: ۲۷).

ادغام روستاها در شهر، پیامدهای مثبت و منفی هم برای روستای ادغام‌شده و هم برای شهر دارد. اگر به جنبه مثبت آن بنگریم، می‌توان انتظار داشت که ادغام روستا در شهر به همراه بسترها و زمینه‌های مناسب در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، علاوه بر توسعه در سکونتگاه‌های ادغامی و افزایش نقش و کارکرد آن‌ها، بسترهای توسعه منطقه‌ای و ملی را نیز به وجود آورد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از لحاظ بعد اقتصادی، ادغام روستا در شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری، به‌ویژه در زمینه ایجاد شغل‌های اداری، تجاری و خدماتی بسیار مؤثر بوده است و به افزایش تعداد شغل و شاغلان، در مقایسه با قبل از ادغام سکونتگاه‌ها منجر شده است (فیروزنیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۲). از سوی دیگر، گسترش تدریجی کالبد شهر به پیرامون و دست‌اندازی شهر به اراضی روستاهای اطراف، محدودیت‌ها و زیان‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی خاص خود را نیز به شهر تحمیل می‌کند. از یک‌سو، کیفیت و ساختار معیشت روستا، متأثر از همجواری با شهر، به تدریج تغییر ماهیت می‌دهد و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی، به کانونی بی‌هویت و انگل‌شهر تبدیل می‌شود و در نتیجه، ساخت اقتصادی روستا از فرایندهای اقتصادی شهر پیروی می‌کند. از طرفی، وجوه کیفیت اجتماعی-فرهنگی روستاها نیز با فاصله‌گرفتن از تحول‌ها و پویایی اندام‌وار درونی، متأثر از جریان‌ها و تحول‌های اجتماعی-فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر می‌شود که به دلیل سرعت و شدت اثرگذاری، نتیجه‌ای جز دگرسویی با ساخت اجتماعی روستا ندارد (حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۲۱)؛ بنابراین، با ادغام روستا در شهر، بدون در نظر گرفتن نیازهای زیرساختی، اجتماعی، فرهنگی و...، این جمعیت شهرنشین با مشکل‌های زیادی مواجه شده است. این مشکل‌ها کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهد و سبب نابرابری شهری در مناطق شهری می‌شود.

بنابراین، پژوهش‌های مربوط به کیفیت زندگی شهری، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعه‌های شهری در کشورهای مختلف است. این مهم به دلیل اهمیت روزافزون مطالعه‌های کیفیت زندگی و نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۸). علاوه بر این، مطالعه‌های کیفیت زندگی، به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر عوامل اجتماعی-جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و راهبردها در زمینه کیفیت زندگی کمک می‌کند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۹).

الگوهای جدید توسعه شهری-که به‌ویژه بعد از اجرای اولین طرح جامع شهری در یزد ظهور یافتند، ناشی از الحاق زمین به‌طور گسترده‌اند و خارج از یک طرح کاربری زمین اجرا شده‌اند. تا قبل از انقلاب اسلامی، این الگوها متأثر از

گسترش مرزهای شهری و به‌درون‌کشاندن روستاهای حاشیه‌ای و اراضی و باغ‌های هم‌پیوند با آن‌ها شکل گرفته‌اند و بعد از انقلاب، با واگذاری و عرضه دولتی و خصوصی زمین در محدوده‌های الحاقی، بسط یافته‌اند. به‌هرحال، هم‌اکنون شهر یزد با الحاق‌های مصوب طرح‌های شهری گذشته و عرضه و واگذاری‌های زمین، دچار تنوع الگوهای توسعه فیزیکی شده و انسجام شهری خود را از دست داده است (سرای، ۱۳۸۴: ۷۵). از سویی در روستاهایی که طی این توسعه به شهر افزوده شده‌اند، به نیازهای جدید شهروندان توجه نشده است و این مسئله، خود کاهش کیفیت زندگی را در این مناطق به دنبال داشته است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت در این محله‌ها تمام ابعاد مختلف کیفیت زندگی، مشکل‌هایی قابل مشاهده است که از جمله آن‌ها می‌توان شبکه نامناسب معابر، نبود شبکه فاضلاب، وجود آلودگی‌های ناشی از انباشت زباله‌ها در زمین‌های بایر و مخروبه را نام برد؛ بنابراین، این پژوهش در پی آن است تا با بررسی کیفیت زندگی در این روستاها، به ارزیابی مسائل و مشکل‌های ناشی از ادغام این روستاها در شهر بپردازد و همچنین ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی را در این روستاهای ادغام‌شده بررسی کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری

واژه Qual در لاتین به معنای چیزی و چه و Quality به مفهوم چگونگی آمده و Qol از نظر واژگانی به معنای چگونگی زندگی و دربرگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد، ویژه و یگانه و متفاوت با دیگران است (کرد زنگنه، ۱۳۸۵: ۲۰). اهداف، روش‌های رسیدن به اهداف و چگونگی نقش‌های مفهوم کیفیت زندگی به شرح زیر است:

جدول ۱. اهداف، روش‌های رسیدن به اهداف و چگونگی نقش‌های مفهوم کیفیت زندگی

اهداف	روش‌های رسیدن به اهداف کیفیت زندگی	چگونگی نقش‌های مفهوم کیفیت زندگی
- رسیدن به بهزیستی جسمانی، روانی و مادی - درک نیازها	- به‌عنوان یک مفهوم ترکیبی	
- رضایت از زندگی	- تشخیص احساس افراد درباره چیزهای خوب - به‌عنوان تعامل بین شخص و محیط	
- توسعه نگرش مثبت به خویشتن	زندگی	- به‌عنوان ترکیبی از معیارهای عینی و ذهنی
- افزایش معنا در زندگی فرد	- تشخیص روش‌های فرد در یک زندگی	- تفاوت بین آنچه فرد دارد و آنچه دوست دارد داشته باشد.
- افزایش لذت زندگی	- اطمینان از فرصت‌های در دسترس	
- بهبود شرایط محیطی و اجتماعی	- بهبود مقبولیت و مشارکت اجتماعی	
- تأمین نیازها		

منبع: براون و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۰۳، به نقل از فتاحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱

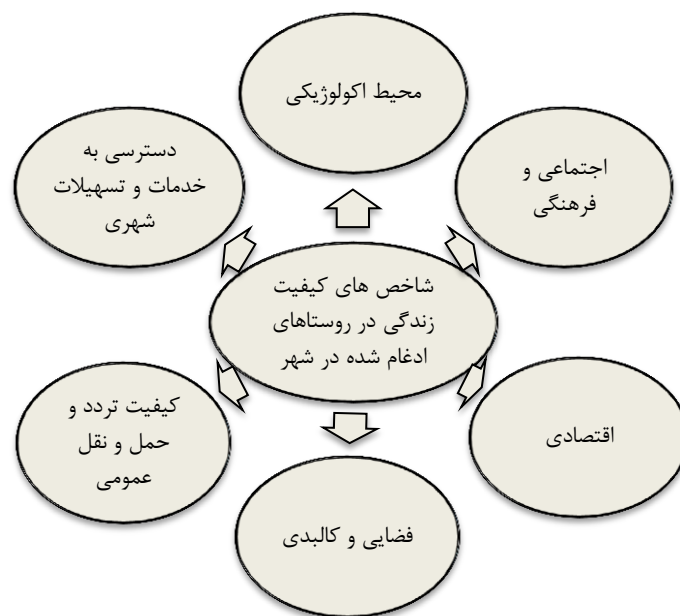
امروزه کیفیت زندگی، هدف تمام برنامه‌ریزی‌های اندیشمندان و برنامه‌ریزان است. وجود مشکل‌هایی مانند ضعف منابع درآمدی، نبود وسایل حمل‌ونقل عمومی و خصوصی، نبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، کمبود مراکز درمانی، نبود مسکن مناسب، مشکل‌ها و آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی، تغذیه نامناسب و مسکن ناپایدار، محله‌های شهری ما را با چالش‌هایی مواجه ساخته است (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۳).

به‌همین دلیل، در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها درباره کیفیت زندگی به‌طور عمده بر ماهیت شهری تمرکز کرده است و بحث در مورد کیفیت زندگی شهری در میان پژوهش‌های تجربی رواج یافته است. بدون شک، تمایل جمعیت در سراسر جهان برای تمرکز یافتن در شهرها، یکی از دلایل اصلی تقویت این جریان مستقل در پژوهش بر کیفیت زندگی است (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۵). دلیل مهم چنین توجهی، در تخصیص مؤثر منابع محدود و کمیاب نهفته است (مگونو، ۱۹۹۰: ۳۵).

مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری، حداقل در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی به کار گرفته می‌شود. مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت شهر داشته باشند. در واقع، در این مرحله، برنامه‌ریزان در پی آن‌اند تا به‌طور ویژه، به اولویت‌ها و مسائل مهم‌تر توجه کنند که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری، راهنمای مناسبی برای آن‌ها در این مرحله است. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها باید ارزیابی شوند تا سودمندی و کارایی آن‌ها تأیید شود. در این مرحله نیز بررسی آثاری که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی دارند، راهنمایی مناسب برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران است. در واقع، برنامه‌ها و پروژه‌هایی، سودمندی و کارایی دارد که در نهایت، به افزایش کیفیت زندگی شهری منجر شود و به‌ویژه بعضی ابعاد آن را - که برنامه‌ریزان شهری بیشتر به آن توجه می‌کنند- ارتقا دهد (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۹).

شاخص‌های کیفیت زندگی

تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی شهری به‌منظور مدل‌سازی اولویت‌ها، انتظارات و نیازهای واقعی شهروندان در هر مقیاس مطالعه، ضروری است. در مباحث مربوط به برنامه‌ریزی شهری نیز کیفیت زندگی، طیف وسیعی از شاخص‌ها را دربرمی‌گیرد. این شاخص‌ها را می‌توان در ابعاد کلان اجتماعی-اقتصادی و محیطی طبقه‌بندی کرد. بهبود زیرساخت‌ها، وضعیت آموزشی، مسکن، فضای سبز و حمل‌ونقل، شاخص‌هایی از کیفیت زندگی شهری محسوب می‌شوند. به‌عبارت دیگر، کیفیت زندگی، تمام زوایای زندگی انسان‌ها در شهر را دربرمی‌گیرد (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵)، اما در روستاهای ادغام‌شده، شاخص‌های مورد بررسی در ارزیابی کیفیت زندگی تا حدودی متفاوت است. در شکل ۱، این شاخص‌ها نشان داده شده است.



شکل ۱. شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر

منبع: حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۲

ابعاد کیفیت زندگی

علی‌رغم اختلاف نظرهایی که در تعریف کیفیت زندگی وجود دارد، توافقی ادراکی در بین متخصصان وجود دارد که کیفیت زندگی را بیشتر شامل ابعاد مثبت و مفهومی چندبعدی می‌دانند. آنچه در این ادراک مسلم است، این است که تمامی پژوهش‌های کیفیت زندگی، در دو سرفصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی انجام می‌شوند (آلن و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۴)؛ بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلی و بنیادی کیفیت زندگی، چندبعدی بودن آن است که تمام متخصصان دنیا بر این امر توافق دارند. با اینکه محققان در شناسایی این ابعاد، تلاش‌های فراوانی کردند، باز هم در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما روی هم‌رفته می‌توان گفت که نقاط مشترک آن‌ها بیشتر از تفاوت‌هایشان است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۵).

ابعاد پنج‌گانه کیفیت زندگی براساس حوزه‌های دانش

بیشتر محققان و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کیفیت زندگی، پنج بعد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی دارد. در بعد فیزیکی، پرسش‌های مربوط به ابعاد جسمانی انسان، شامل قدرت، انرژی و توانایی انجام فعالیت‌های روزمره و خودمراقبتی و همچنین علائم بیماری مانند درد، تفسیر و سنجش می‌شوند. در بعد اجتماعی، احساس بهتری بودن و کیفیت ارتباط افراد با خانواده، دوستان، دیگران و اجتماع تبیین می‌شود (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶). بعد روانی کیفیت زندگی، شاخص‌هایی چون رضایت، شادمانی و امنیت را دربرمی‌گیرد و در بعضی موارد، رضایت اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین ابعاد محیطی که دربرگیرنده سنجه‌هایی چون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر، توجه به فرصت‌های اجتماعی، امید به اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۲۹).

ابعاد کلان دوگانه کیفیت زندگی

در مطالعه‌های کیفیت زندگی شهری، دو رویکرد ذهنی و عینی وجود دارد (لی، ۲۰۰۸: ۱۲۰۰). این رویکردها اغلب به‌طور مجزا و به‌ندرت در ترکیب با هم برای سنجش کیفیت زندگی شهری به کار می‌روند. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد از وضعیت زندگی خود را منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی، اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد (داس، ۲۰۰۸: ۲۹۸). این کیفیت، با استفاده از شاخص‌های عینی - که مربوط به واقعیت‌های قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند - اندازه‌گیری می‌شود.

توافقی عمومی میان محققان کیفیت زندگی وجود دارد که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به‌دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از آن در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی ایجاد می‌شود؛ بنابراین، هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی باید دربرگیرنده جنبه‌های عینی و ذهنی باشد (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۵). درواقع، بهتر است که شاخص‌های عینی و ذهنی با هم ترکیب شوند؛ زیرا شاخص‌های ذهنی این اجازه را می‌دهند که بینشی از رضایت فرد و هرآنچه برای مردم رضایت‌بخش است، به‌دست آید و شاخص‌های عینی نیز برای سنجش ابعادی از محیط - که سنجش آن دشوار است - مناسب به‌نظر می‌رسند (کمپ و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۱).

در جمع‌بندی کلی از این مباحث می‌توان گفت که در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی، فقط زیستن مهم نیست؛ بلکه کیفیت آن مهم است. از بررسی شرایط بهتر زندگی که در آن، توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه‌های لازم را برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی وجود دارد، تعاریف گوناگونی دارد، اما در کنار تعاریف متعدد، چارچوب آن مشخص است. تمامی اندیشمندان بر این باورند که کیفیت زندگی

را در چهار بعد فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌توان بررسی کرد. در این پژوهش، تلاش شده است تا با نگرش جغرافیایی، به ترکیبی از این چهار بعد توجه شود و در نهایت، با توجه به ادبیات اندیشه‌ای که در ادبیات جهانی موجود است، به ترکیبی از شاخص‌های عینی و ذهنی توجه شود. شاخص‌های ذهنی بیشتر بر نگرش‌ها و شاخص‌های عینی بیشتر بر واقعیت‌ها تأکید دارند.

پیشینه پژوهش

تئوری‌ها و پژوهش‌های تجربی کیفیت زندگی، عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند و مطالعه‌های کیفیت زندگی در کشورهای درحال توسعه و به تبع آن، ایران به‌طور شایان توجهی کمیاب‌اند. در تمام پژوهش‌های صورت‌گرفته با هر تخصص و گرایش، تنها به یک هدف توجه شده و آن ساماندهی مکان زیستی و بهبود کیفیت زندگی در شهر و اطراف آن بوده است. در ابعاد مختلف محیط شهر و اطراف آن، مطالعه‌های گوناگونی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها در دو بخش داخلی و خارجی بررسی می‌شود:

- دیوید اسمیت، اولین جغرافی‌دانی بود که درباره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا سخن گفت. این جغرافی‌دان برای بررسی کیفیت زندگی و رفاه و عدالت اجتماعی، از شاخص‌های اجتماعی ذهنی و مقایسه عینی استفاده کرد. وی برای سنجش مورد اول از پرسشنامه و برای مورد دوم، از مشاهده و آمار استفاده کرده است (اسمیت، ۱۳۸۱، به نقل از جاجرمی و کتله، ۱۳۸۵: ۸).

- مک کریا و دیگران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «نقاط قوت ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری چیست؟» رویکردی تازه و بدیع را در چگونگی سنجش کیفیت زندگی شهری در ادبیات مربوط تدوین کردند؛ آن‌ها همچنین در پژوهش خود از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای اتصال شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری استفاده کردند. هدف اصلی پژوهش آن‌ها، تدوین رویکردی نوین در سنجش کیفیت زندگی شهری است. رویکرد اصلی پژوهش آن‌ها بر مبنای سنجش کیفیت زندگی شهری در منطقه جنوب شرقی کوئیزلند با استفاده از تلفیق شاخص‌های عینی و ذهنی بوده است. براساس نتایج این پژوهش می‌توان تمامی اقدام‌های شهرسازی را بر موضوع‌هایی که تأثیر بیشتری بر کیفیت زندگی شهری دارند، متمرکز کرد و از این طریق، به افزایش کیفیت زندگی شهری کمک کرد. در این پژوهش مشخص شد که رابطه ضعیفی میان شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی وجود دارد. از طرف دیگر نمی‌توان اقدام‌های شهرسازی را براساس نتایج کیفیت زندگی شهری و تنها با استفاده از یک نوع شاخص (عینی یا ذهنی) اولویت‌بندی کرد؛ بلکه باید ارتباط بین این دو دسته شاخص و تأثیرگذاری آن‌ها بر کیفیت زندگی شهری، به‌طور مداوم تحلیل شود.

- سانتوس و مارتینز (۲۰۰۷) در پژوهشی به‌منظور نظارت بر کیفیت زندگی شهری در شهر پرتو، برای کیفیت زندگی شهری در این شهر، جنبه‌های زیر را تعریف کرده‌اند: جامعه، شرایط محیط زیست، شرایط کالاهای اجتماعی و شرایط اقتصادی. در این پژوهش، از دو روش تجزیه و تحلیل کمی و کیفی شاخص‌ها براساس برداشت شهروندان از شرایط زندگی خود استفاده شده است.

- کلس (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «کیفیت زندگی و محیط»، کیفیت زندگی را مسئله‌ای چندبعدی و پیچیده دانست و عنوان داشت که دستیابی به تعریف مناسبی از کیفیت زندگی و مناسب‌ترین شاخص‌ها برای اندازه‌گیری آن، به هدف مطالعه بستگی دارد. وی دستیابی به یک دیدگاه زیست‌محیطی را راهی پایدار برای دستیابی به کیفیت زندگی مناسب دانست و اظهار داشت که نباید نقش شرایط اقتصادی را در بالابردن سطح کیفیت زندگی در تمام زمینه‌ها نادیده گرفت. از نظر وی، با وجود تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در زمینه لزوم

ارتقای کیفیت زندگی، هنوز هم تفاوت فاحشی بین آنچه دولت‌ها بیان می‌کنند با آنچه انجام می‌دهند، وجود دارد. وی در نهایت، به این نتیجه دست یافت که همه اجزای کیفیت زندگی، به مداخله برنامه‌ریزی شده، چه در کشورهای در حال توسعه و چه کشورهای توسعه یافته نیاز دارد.

- کوکبی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی در مراکز شهری» به سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در مرکز خرم‌آباد و تعیین سطح کیفیت زندگی در آن پرداخته است. او در این مقاله، ماتریسی ساده، پویا، انعطاف‌پذیر و نظام‌مند با ویژگی‌های متفاوت برای سنجش کیفیت زندگی در مراکز شهری ارائه داد و به این نتیجه دست یافت که معیارهای اجتماعی و حمل‌ونقل (مانند فضاهای باز و سبز عمومی، فضاهای پیاده، حجم ترافیک و...) اهمیت بیشتری در مقایسه با معیارهای کالبدی و اقتصادی (مثل کیفیت ساختمان‌ها، کیفیت کاربری، دانه‌بندی، هزینه تأمین نیازهای پایه و...) برخوردارند و در نهایت، به این نتیجه رسید که مرکز شهر خرم‌آباد در رده مراکز شهری با کیفیت زندگی شهری پایین قرار دارد.

- حریرچی و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس»، کیفیت زندگی را به عنوان متغیر وابسته در ارتباط با متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، ارزیابی خدمات شهری و رضایتمندی از محله، در شهر جدید پردیس بررسی کردند. در نهایت، مشخص شد که با افزایش سرمایه اجتماعی، بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس. از سویی رابطه معنادار مثبتی بین افزایش کیفیت زندگی و رضایتمندی از محله و خدمات شهری وجود دارد.

- لطفی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «کیفیت زندگی شهری: تعریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری»، ضمن بررسی ادبیات مطروحه در زمینه کیفیت زندگی در سطح جهانی، با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری، تعریف و ابعاد این مفهوم را بررسی کرد و با ذکر چند نمونه در دنیا، به تحلیل شیوه‌های سنجش این مفهوم در برنامه‌ریزی شهری از یک سو و لزوم سنجش آن از سوی دیگر پرداخت. وی در این پژوهش به این نتیجه دست یافت که سنجش کیفیت زندگی شهری، تنها با استفاده از یکی از دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی نمی‌تواند تصویری روشن و منطبق بر واقعیت را برای برنامه‌ریزان شهری ترسیم کند و نادیده گرفتن هر یک از این دو دسته، انحراف‌های بزرگی را در برنامه‌ریزی‌ها به وجود می‌آورد.

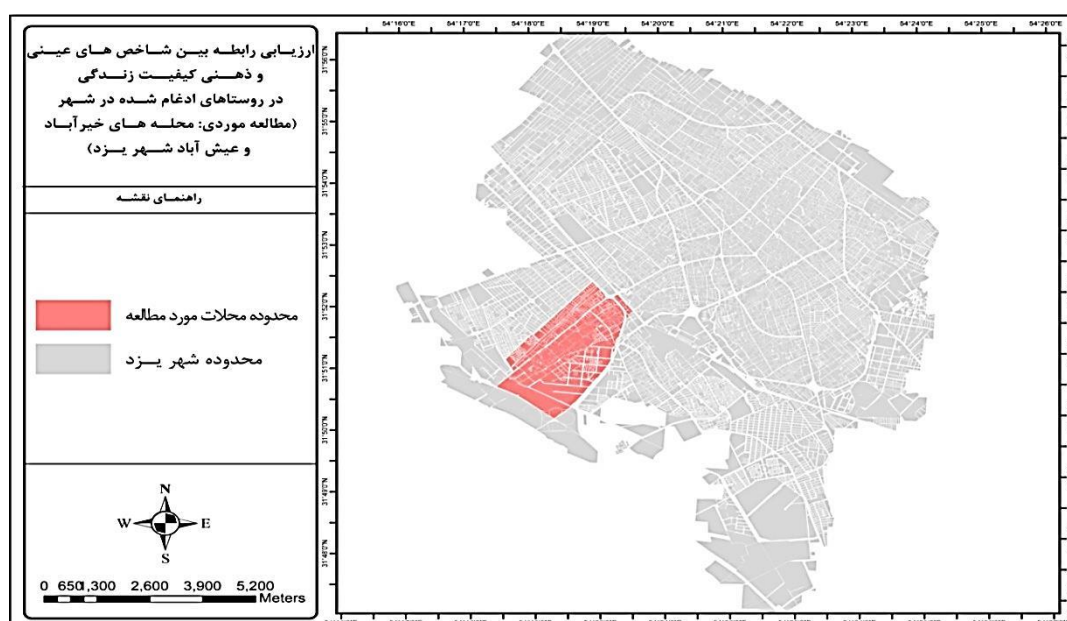
- حاتمی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر میاندوآب»، کیفیت زندگی روستاهای ادغام‌شده در شهر میاندوآب طی سی سال اخیر - که هنوز ساخت فضایی-کالبدی آن‌ها از شهر قابل تشخیص است- با محله‌های انتخابی شهر- که پنج محله از بافت قدیم و پنج محله از بافت جدید است- را بر مبنای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی-محیطی، دسترسی به خدمات شهری، کیفیت محیط و بهداشت، مطالعه تطبیقی کردند و در نهایت، به این نتیجه رسیدند که به جز شاخص‌های اجتماعی، در سایر شاخص‌ها، روستاهای ادغام‌شده در مقایسه با محله‌های شهری، سطح کیفی بسیار پایینی دارند و تنها در شاخص عملکردی، در مقایسه با محله‌های شهری، از سطح بالاتر کیفی برخوردارند. از سویی نتایج، نشان‌دهنده اختلافی آشکار میان کیفیت زندگی بین محله‌های اصلی شهر و روستاهای ادغام‌شده است.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان گفت که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول و جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش‌شناسی واحدی برای تعیین قلمروها، معرف‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی وجود ندارد و هر محقق براساس شناخت و آگاهی‌های خود به انتخاب شاخص‌های کیفیت زندگی می‌پردازد. این امر موجب ایجاد تفاوت‌هایی در نتایج پژوهش‌ها شده است. از طرف دیگر، در بیشتر مطالعه‌های پیشین، به ویژه در پژوهش‌های داخلی، تنها به جنبه ذهنی کیفیت زندگی توجه شده است. در واقع، این مطالعه‌ها کیفیت زندگی را تنها از دید شهروندان بررسی کرده‌اند. این

امر به دلیل دیدگاه متفاوت افراد به زندگی، موجب جلوگیری از دستیابی به واقعیت در پژوهش‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، ممکن است یک وضعیت برای شخصی مطلوب باشد؛ در صورتی که همان شرایط از نظر شخص دیگری نامطلوب تلقی شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد توجه به جنبه عینی کیفیت زندگی (که به واقعیت نزدیک‌تر است) در کنار جنبه ذهنی، نتایج مطلوب‌تر و کاربردی‌تری را به دنبال دارد. از سویی با توجه به اینکه تاکنون در شهر یزد، مطالعه‌ای در زمینه کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر صورت نگرفته است، در این پژوهش سعی شده است به این امر پرداخته شود و همچنین رابطه بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی ارزیابی شود.

روش پژوهش

در روند توسعه فیزیکی شهر یزد طی چند دهه اخیر، به‌ویژه از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد، آبادی‌ها و روستاهای بسیاری در شهر یزد پیوند خورده‌اند و به‌گونه‌ای در شهر ادغام شده‌اند؛ به طوری که در بافت شهر یزد، هنوز بسیاری از علائم و ویژگی‌های زندگی روستایی را می‌توان دید و تنها در بعضی از موارد، قوانین شهرسازی و چشم‌اندازهای شهری جایگزین ویژگی‌های روستایی شده است. نکته جالب اینجاست که بیشتر روستاهای ادغام‌شده در شهر، به صورت یک محله شهری به همان نام روستایی قبلی، قابل شناسایی‌اند (سرائی، ۱۳۸۵: ۹۸). در این پژوهش، وضعیت کیفیت زندگی در دو روستای عیش‌آباد و خیرآباد، واقع در جنوب غربی شهر یزد- که طی طرح جامع شهرستان (۱۳۷۴-۱۳۷۷) در شهر یزد ادغام شده‌اند- بررسی شده است.



نقشه ۱. موقعیت روستاهای مورد مطالعه در شهر یزد

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها (۱. میزان کیفیت زندگی از نظر جامعه نمونه، پایین‌تر از حد متوسط است و ۲. بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر یزد رابطه وجود دارد) جامعه آماری کل جمعیت دو روستای عیش‌آباد و خیرآباد (بالغ بر ۵۹،۱۱ نفر) در نظر گرفته شده است. حجم نمونه، با توجه به فرمول کوکران، ۳۷۰ نفر به دست آمده است که به طور مساوی در دو محله توزیع شده است. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف، ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی به دست آمد که در این مقاله، دو بعد

عینی و ذهنی کیفیت زندگی در نظر گرفته می‌شود. هریک از این ابعاد، به چهار شاخص اجتماعی، کالبدی، محیطی و اقتصادی تقسیم شده‌اند که در بعد عینی، آمار و اطلاعات از طریق آمارنامه‌ها، نقشه‌ها و مشاهده (فرم برداشت میدانی) جمع‌آوری شده است؛ به این صورت که ابتدا در هر محله، هشت خیابان به‌عنوان شاخص در نرم‌افزار GIS انتخاب و شماره‌گذاری شدند و از طریق فرم برداشت تهیه‌شده، شاخص‌های عینی مورد مطالعه، در هریک از این خیابان‌ها بررسی شد. متغیرهای عینی مورد بررسی در پژوهش حاضر، در جدول ۲ به صورت عملیاتی تعریف شده‌اند:

جدول ۲. تعریف عملیاتی متغیرهای عینی پژوهش

شاخص	گویه
اجتماعی	امکانات فرهنگی محله
	امکانات تفریحی
	امکانات بهداشتی و درمانی
	دسترسی به پاسگاه دسترسی به آتش‌نشانی در مواقع ضروری
اقتصادی	وضعیت مالکیت مسکن
	میزان درآمد
	داشتن خودرو
محیطی	وضعیت شبکه دفع فاضلاب
	وجود آب شرب در پارک‌ها
	وجود سرویس بهداشتی در پارک‌ها
	پاکیزگی محله نبود آلودگی صوتی
کالبدی	کیفیت مصالح به‌کاررفته در ساختمان
	وضعیت معبر از لحاظ دسترسی کیفیت واحد مسکونی

منبع: نگارندگان

اما در بعد ذهنی، میزان رضایت فرد از شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی، با استفاده از پرسشنامه ارزیابی شد. از آنجاکه متغیرهای یک پژوهش باید کمی باشد تا قابل اندازه‌گیری باشد، برای کمی کردن متغیرهای این پژوهش، ۵۰ درصد متغیرها (فقط متغیرهای ذهنی) را به صورت طیف لیکرت طراحی کردیم و با دادن عدد به هریک از طیف‌ها (خیلی کم: ۱، کم: ۲، متوسط: ۳، زیاد: ۴ و خیلی زیاد: ۵) آن‌ها را به حالت کمی درآوردیم تا قابلیت اندازه‌گیری داشته باشند. همچنین برای سهولت کار، متغیرهای پژوهش در هریک از ابعاد عینی و ذهنی، به چهار شاخص (اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی) تقسیم شده است. در جدول ۳، هریک از این شاخص‌ها به صورت عملیاتی درآمده است.

جدول ۳. تعریف عملیاتی متغیرهای ذهنی پژوهش

شاخص	گویه	حد متوسط	ضریب آلفای کرونباخ
اجتماعی	رضایت از امکانات فرهنگی محله	۳۰	۰/۷۷
	رضایت از امکانات تفریحی		
	رضایت از امکانات بهداشتی و درمانی		
	رضایت از اوقات فراغت		
	رضایت از امنیت اماکن عمومی		
	داشتن روحیه کار گروهی و کمک به دیگران		
	رضایت از حمایت همسایگان		
اقتصادی	احساس امنیت و آرامش	۱۲	۰/۸۳
	رضایت از دسترسی به پاسگاه و حضور به موقع نیروی انتظامی		
	رضایت از پاسخگویی آتش‌نشانی در مواقع ضروری		
	رضایت از شغل		
محیطی	رضایت از درآمد	۹	۰/۶۶
	توانایی پس‌انداز کردن		
	امید به آینده شغلی		
کالبدی	رضایت از پاکیزگی محله	۲۱	۰/۸۲
	رضایت از سکوت و آرامش و نبود آلودگی صوتی		
	رضایت از وجود سرویس بهداشتی و آب شرب در پارک‌ها و فضای سبز عمومی		
	رضایت از وجود تسهیلات مناسب در منزل (حمام، سرویس بهداشتی و...)		
	احساس امنیت در برابر مخاطره‌های محیطی		
	رضایت از مسکن		
	رضایت از خدمات و امکانات حمل‌ونقل در محله		
	رضایت از شبکه دفع فاضلاب در محله		
	رضایت از وضعیت زیرساخت‌ها در محله		
	رضایت از وضعیت شبکه ارتباطی و راه‌ها در محله		

منبع: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

از میان پاسخگویان، ۵۹/۵ درصد در گروه سنی پایین‌تر از ۴۰ سال و ۴۰/۵ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۰ سال قرار دارند. همچنین ۴۵/۴ درصد پاسخگویان، زن و ۵۴/۶ درصد آنان مرد بوده‌اند. در این بین، ۷/۶ درصد مجرد و ۹۲/۴ درصد متأهل بوده‌اند. از نظر میزان تحصیلات، ۳/۸ درصد بی‌سواد، ۳۰ درصد با تحصیلات ابتدایی، ۳۵/۴ درصد دیپلم، ۲۹/۵ درصد فوق لیسانس و ۱/۴ درصد بالاتر بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان، کارمند، ۱۰ درصد کارگر، ۲۸/۱ درصد دارای شغل آزاد و ۳۰ درصد خانه‌دار بودند و ۱۱ درصد در سایر فعالیت‌ها اشتغال داشتند.

برای دستیابی به یافته‌های مربوط به کیفیت زندگی در دو محله خیرآباد و عیش‌آباد در بعد ذهنی، ابتدا با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای، به سنجش کیفیت زندگی به لحاظ ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی به تفکیک در این دو محله پرداخته شده است. ابتدا در هر یک از این ابعاد، متغیرها با هم ترکیب شده‌اند و میانه پاسخ‌ها که به صورت طیف پنج‌ارزشی لیکرت است، محاسبه شده است و سپس به مقایسه میانگین پاسخ‌ها با این میانه پرداخته شده که نتایج زیر را به دنبال داشته است:

بعد اجتماعی

برای ارزیابی بعد اجتماعی، از ده گویه استفاده شد که با توجه به این تعداد، گویه حد متوسط برابر با ۳۰ شد. مقایسه میانگین به دست آمده (۲۶/۸۲) نشان می‌دهد که سطح کیفیت اجتماعی در دو محله خیرآباد و عیش‌آباد، پایین‌تر از حد متوسط است. همچنین سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ است، نشان از توافق معنادار پاسخگویان در این زمینه دارد (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون T برای تعیین سطح ابعاد مختلف کیفیت زندگی در دو محله

بعد	تعداد گویه	میانگین	سطح معناداری	آزمون T	Test value (حد متوسط)
اجتماعی	۱۰	۲۶/۸۲	۰/۰۰۰	-۱۱/۵۵	۳۰
اقتصادی	۴	۸/۸۳	۰/۰۰۰	-۱۹/۳۹	۱۲
محیطی	۳	۷/۷۱	۰/۰۰۰	-۱۰/۳۶	۹
کالبدی	۷	۲۰/۰۵	۰/۰۰۰	-۳/۸۵	۲۱

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آزمون T برای تک‌تک گویه‌ها در بعد اجتماعی نشان می‌دهد که میزان رضایت ساکنان دو محله از امکانات فرهنگی و تفریحی، در سطحی بسیار پایین قرار دارد. مشاهده‌ها نیز بیانگر آن است که این دو محله، از لحاظ امکانات فرهنگی و تفریحی در سطحی پایین قرار دارند؛ به طوری که هیچ‌گونه سالن یا زمین ورزشی و همچنین کتابخانه و خانه فرهنگ نداشتند، اما از طرفی، میزان رضایت ساکنان از وقت آزاد خود، امنیت اماکن عمومی و میزان احساس امنیت و آرامش در زندگی، در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج آزمون T برای درک تأثیر متغیرهای مربوط به کیفیت اجتماعی در دو محله

گویه	میانگین	سطح معناداری	آزمون T	Test value (حد متوسط)
رضایت از امکانات فرهنگی محله	۱/۴۲	۰/۰۰۰	-۳۹/۲۱۹	۳
رضایت از امکانات تفریحی محله	۱/۴۹	۰/۰۰۰	-۳۴/۵۲۲	۳
رضایت از امکانات بهداشتی درمانی محله	۲/۶۴	۰/۰۰۰	-۶/۹۱۸	۳
رضایت از مدت وقت آزاد خود	۳/۱۲	۰/۰۱۳	۲/۵۰۵	۳
رضایت از امنیت اماکن عمومی در محله	۳/۲۶	۰/۰۰۰	۴/۴۸۶	۳
میزان روحیه افراد در انجام کار گروهی	۲/۷۰	۰/۰۰۰	-۵/۱۷۰	۳
رضایت از حمایت همسایگان در موقع نیاز	۲/۹۸	۰/۷۱۷	-۰/۳۶۳	۳
میزان احساس امنیت و آرامش در زندگی	۳/۴۳	۰/۰۰۰	۸/۰۵۴	۳
رضایت از دسترسی به پاسگاه پلیس	۲/۸۴	۰/۰۰۲	-۳/۰۹۹	۳
رضایت از پاسخگویی به موقع آتش‌نشانی	۲/۹۴	۰/۰۰۰	-۱/۳۴۵	۳

بعد اقتصادی

در بعد اقتصادی، از چهار گویه برای ارزیابی میزان رضایت شهروندان استفاده شد. میانگین نظرهای پاسخگویان ۸/۸۳ است که در مقایسه با حد متوسط (۱۲) نشان می‌دهد که میزان رضایت شهروندان از وضعیت اقتصادی زندگی در سطح

پایینی قرار دارد، از طرفی سطح معناداری نشان می‌دهد که پاسخگویان در زمینه نارضایتی از وضعیت اقتصادی خود با یکدیگر توافق معناداری دارند (جدول ۴).

آزمون T برای تک‌تک گویه‌ها بیانگر آن است که در بعد اقتصادی بیشتر ساکنان، توانایی خود را در پس‌انداز کردن در سطحی بسیار پایین عنوان کردند (۱/۶۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری (۰/۰۰۰) نیز بیانگر توافق معنادار پاسخگویان در این زمینه است. در سایر گویه‌های بعد اقتصادی نیز سطح رضایت ساکنان، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج آزمون T برای درک تأثیر متغیرهای مربوط به کیفیت اقتصادی در دو محله

گویه	میانگین	سطح معناداری	آزمون T	Test value (حد متوسط)
میزان رضایت از درآمد ماهیانه	۲/۱۳	۰/۰۰۰	-۱۸/۰۳۹	۳
میزان رضایت از شغل	۲/۶۲	۰/۰۰۰	-۶/۷۹۶	۳
میزان توانایی پس‌انداز	۱/۶۳	۰/۰۰۰	-۳۱/۵۸۲	۳
میزان امید به آینده شغلی	۲/۴۶	۰/۰۰۰	-۹/۱۸۳	۳

بعد محیطی

برای ارزیابی میزان رضایت شهروندان از کیفیت محیطی در دو محله خیرآباد و عیش‌آباد، از سه گویه استفاده شد و حد متوسط برابر با ۹ شد. میانگین نظرهای جامعه نمونه ۷/۷۱ است که سطحی پایین‌تر از متوسط را نشان می‌دهد. سطح معناداری نیز که ۰/۰۰۰ شده است، نشان از توافق معنادار جامعه نمونه در این زمینه دارد (جدول ۴).

در بعد محیطی، میزان رضایت ساکنان در همه ابعاد در سطحی پایین‌تر از متوسط قرار دارد. همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، میانگین میزان رضایت از پاکیزگی محله (۲/۷۱) است که پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، بیشتر آلودگی‌های صوتی، ناشی از عبور و مرور اتومبیل‌ها و ساخت‌وساز در محله است.

جدول ۷. نتایج آزمون T برای درک تأثیر متغیرهای مربوط به کیفیت محیطی در دو محله

گویه	میانگین	سطح معناداری	آزمون T	Test value (حد متوسط)
میزان رضایت از پاکیزگی محله	۲/۷۱	۰/۰۰۰	-۵/۲۴۴	۳
رضایت از سکوت و آرامش محله	۲/۸۹	۰/۰۷۷	-۱/۷۷۶	۳
رضایت از سرویس بهداشتی و آب شرب در پارک‌ها	۲/۱۲	۰/۰۰۰	-۱۵/۸۹۷	۳

بعد کالبدی

برای سنجش سطح کیفیت کالبدی در دو محله خیرآباد و عیش‌آباد، از هفت گویه استفاده شده است. با مقایسه میانگین نظرهای جامعه نمونه که معادل ۲۰/۰۵ و متوسط سطح گویه‌های مورد ارزیابی که ۲۱ برآورد شده و از آنجا که سطح معناداری محاسبه شده، عددی کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ را نشان می‌دهد، می‌توان فرض مناسب بودن کیفیت کالبدی را رد کرد و پذیرفت که براساس نظرهای جامعه نمونه، سطح کیفیت کالبدی، کمتر از حد متوسط است (جدول ۴).

همان‌طور که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود، تنها در دو گویه میزان رضایت از تسهیلات مناسب در منزل (۳/۵۰) و

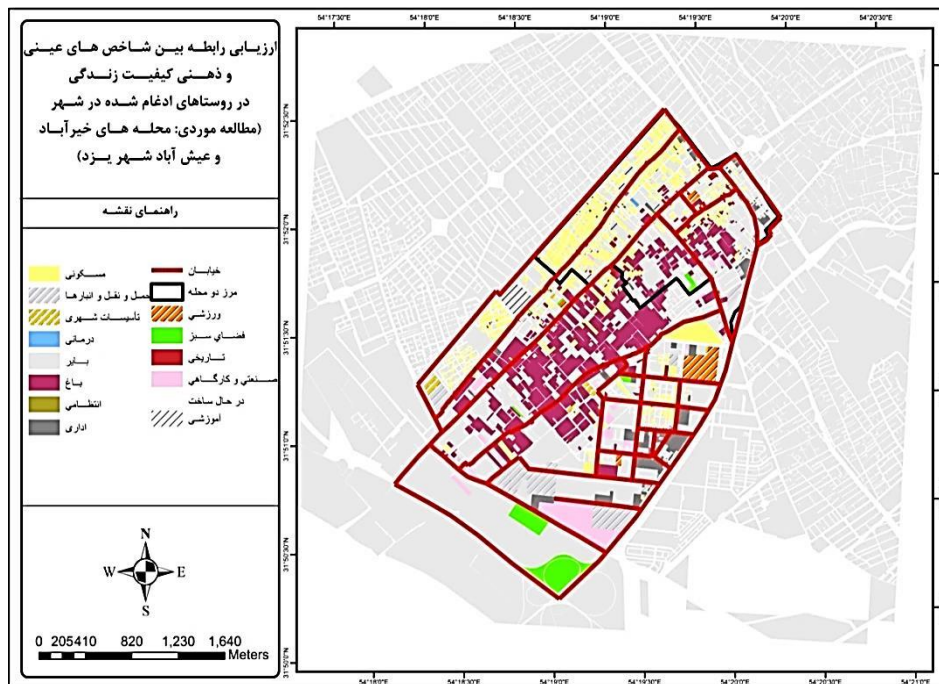
میزان رضایت از وضعیت زیرساخت‌ها در محله، مانند شبکه برق و آب (۳/۲۵)، رضایت ساکنان در سطحی بالاتر از حد متوسط (۳) ارزیابی شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون T برای درک تأثیر متغیرهای مربوط به کیفیت کالبدی در دو محله

گویه	میانگین	سطح معناداری	آزمون T	Test value (حد متوسط)
رضایت از تسهیلات مناسب در منزل	۳/۵۰	۰/۰۰۰	۹/۲۵۹	۳
احساس امنیت در برابر مخاطره‌های طبیعی	۲/۶۹	۰/۰۰۰	-۵/۴۸۸	۳
رضایت از مسکن	۲/۹۶	۰/۴۱۹	-۰/۸۱۰	۳
رضایت از خدمات و امکانات حمل‌ونقل عمومی و خصوصی	۲/۶۹	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۰	۳
رضایت از وضعیت شبکه دفع فاضلاب در محله	۲/۱۶	۰/۰۰۰	-۱۳/۸۹۴	۳
رضایت از وضعیت زیرساخت‌ها در محله	۳/۲۵	۰/۰۰۰	۴/۶۳۵	۳
رضایت از وضعیت شبکه ارتباطی و راه‌ها	۲/۸۱	۰/۰۰۱	-۳/۴۲۸	۳

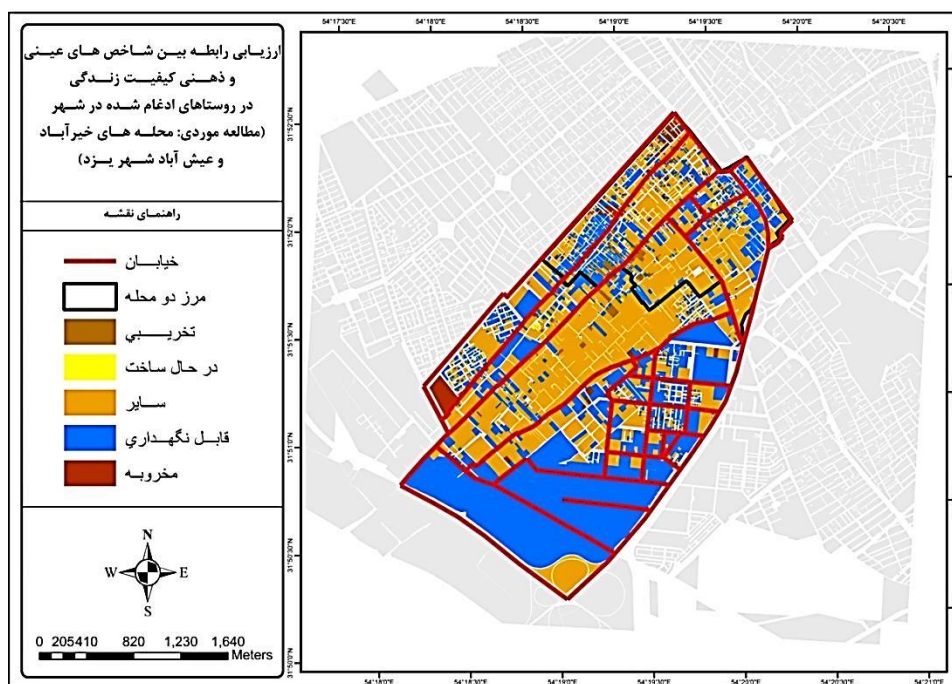
میزان رضایت ساکنان از امکانات و خدمات حمل‌ونقل عمومی و خصوصی در محله با توجه به کمبود اتوبوس‌های شرکت واحد در محله، نبود دسترسی مناسب به ایستگاه اتوبوس و نبود تاکسی و آژانس در دو محله، در سطحی پایین قرار دارد؛ به‌نحوی که میانگین آن (۲/۶۹) سطحی پایین‌تر از حد متوسط (۳) را نشان می‌دهد. همچنین میزان رضایت ساکنان از وضعیت شبکه دفع فاضلاب با توجه به نبود لوله‌کشی و شبکه فاضلاب در محله و استفاده از چاه برای دفع فاضلاب، در سطحی پایین‌تر از حد متوسط است. بر همین اساس، یکی از دغدغه‌ها و شکایت‌های مردم در دو محله، اخذ مبلغی از آنان برای راه‌اندازی شبکه فاضلاب از سوی سازمان مربوطه بود که با وجود این، متأسفانه تاکنون اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. در زمینه شبکه ارتباطی و راه‌ها نیز مقایسه میانگین نظرهای جامعه نمونه که ۲/۸۱ است، با حد متوسط محاسبه شده (۳) نشان می‌دهد که میزان رضایت ساکنان در سطحی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد (جدول ۸). از جمله دلایل این امر می‌توان به پوشش نامناسب سطح خیابان‌ها و کوچه‌ها، عرض کم بیشتر معابر و طراحی نامناسب معابر اشاره کرد.

در بعد عینی، تعدادی از گویه‌ها در نرم‌افزار GIS به‌صورت نقشه ارائه شده است. ابتدا نوع کاربری اراضی محدوده بررسی شد. همان‌طور که در نقشه ۲ مشاهده می‌شود، در جنوب محدوده، واحدهای صنعتی و کارگاهی و انبارها انباشته شده است که آلودگی‌های زیست‌محیطی را برای مردم دو محله ایجاد کرده است. همچنین در مرکز محدوده، باغ‌های و زمین‌های بایر، بخش وسیعی را به‌خود اختصاص داده است که محلی برای انباشت نخاله‌های ساختمانی و زباله‌ها شده است. کمبود امکانات فرهنگی و تفریحی نیز به‌خوبی در نقشه قابل مشاهده است. همان‌طور که در نقشه ۳ دیده می‌شود، مصالح بیشتر بناهای دو محله - که اغلب، واحدهای مسکونی و صنعتی و کارگاهی است - آجر و پس از آن، کاهگل است که بیشتر در جنوب غربی محله خیرآباد تجمع یافته است. بر اساس نقشه ۴ می‌توان گفت بیش از نیمی از واحدهای مسکونی این محدوده، بیش از ۲۱ سال قدمت دارد و پس از آن، با توجه به ساخت‌وسازهایی که پس از ادغام این دو محله در شهر صورت گرفته، واحدهای با کمتر از ۱۰ سال ساخت مشهود است. از لحاظ کیفیت، بیشتر واحدهای مسکونی و صنعتی محدوده، قابل نگهداری است. همچنین تعداد بالای واحدهای تخریبی و مخروبه‌ها نیز قابل مشاهده است (نقشه ۵).



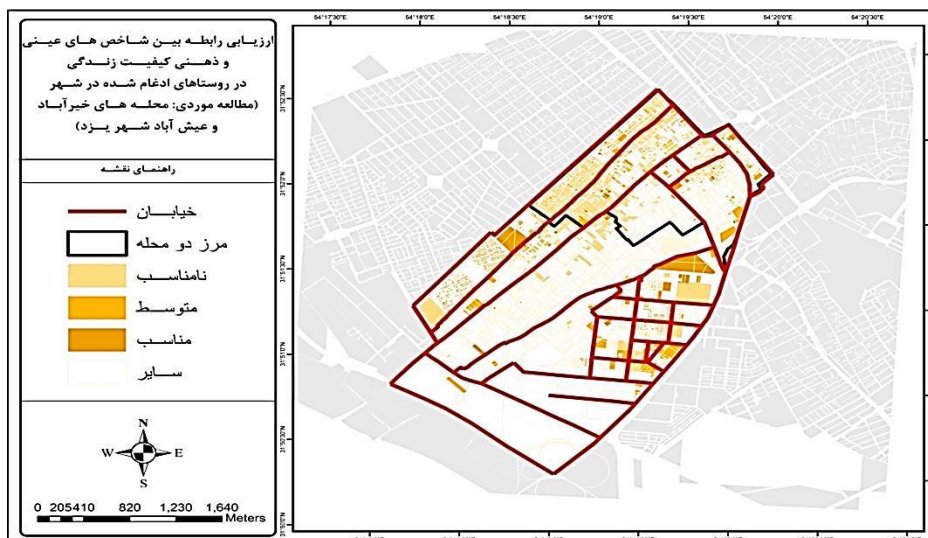
نقشه ۲. کاربری اراضی محله‌های مورد مطالعه

منبع: نگارندگان



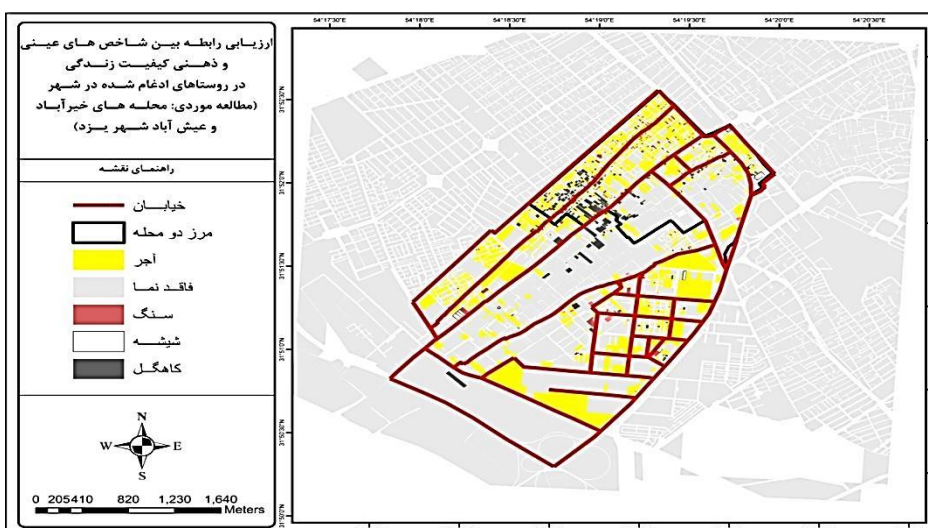
نقشه ۳. کیفیت ساختمان‌های محله‌های مورد مطالعه

منبع: نگارندگان



نقشه ۴. قدمت ساختمان‌های محله‌های مورد مطالعه

منبع: نگارندگان



نقشه ۵. مصالح ساختمانی محلات مورد مطالعه

منبع: نگارندگان

برای بررسی رابطه میان شاخص‌های عینی و ذهنی، از آزمون خی دو استفاده شد، برای این منظور، ابتدا گویه‌های بخش عینی که در دو طیف سه و دو طیفی طراحی شده بود، ری کد شدند و همه آن‌ها به صورت دو طیف مناسب و نامناسب درآمدند. سپس برای بررسی ارتباط آن‌ها با ابعاد ذهنی، گویه‌های بخش ذهنی نیز که به صورت پنج طیفی طراحی شده بود، ری کد شدند و به صورت دو طیف مناسب و نامناسب درآمدند. در نهایت، از طریق آزمون خی دو، رابطه میان این دو بررسی شد که نتایج آن در جدول ۹ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار خی دو $0/۶۴۸$ و سطح معناداری $0/۴۲۱$ است که معنادار نبودن ارتباط بین این دو متغیر را نشان می‌دهد؛ زیرا سطح معناداری، بزرگ‌تر از $0/۰۵$ برآورد شده است. از آنجاکه مقدار خی دو، شدت رابطه را نشان نمی‌دهد و با توجه به اینکه درجه آزادی، ۱ است، از ضریب فی استفاده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، منفی شدن ضریب فی، نبود رابطه بین دو متغیر را نشان می‌دهد.

جدول ۹. نتایج آزمون خی دو برای تبیین رابطه بین ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی

شاخص	وضعیت	مناسب	نامناسب	جمع
عینی		۱۸۴	۱۸۵	۳۶۹
ذهنی		۲۴۲	۱۲۷	۳۶۹
		$S = ۰/۴۲۱$	$\text{Phi} = -۰/۰۴۲$	$X^2 = ۰/۶۴۸$
				$df = ۱$

نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی در نواحی شهری، به دنبال دسترسی عادلانه شهروندان به تسهیلات و خدمات شهرنشینی و افزایش رضایت آنان از زندگی شهری است. با این نگرش، پژوهش حاضر با هدف سنجش کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده در شهر، از دید جامعه نمونه صورت گرفته است که در آن، ۲۴ گویه در قالب چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی، طراحی و آزموده شد. از نتایج می‌توان استنباط کرد:

با توجه به آزمون T تک‌نمونه‌ای دو محله می‌توان گفت که میزان رضایت از تمام ابعاد کیفیت زندگی در دو محله، پایین‌تر از حد متوسط است. نتایج بیانگر آن است که در بعد اجتماعی، میزان رضایت از امکانات تفریحی و فرهنگی بسیار اندک است. به طوری که در این دو محله، با وجود جمعیت شایان توجه، حتی یک فضای سبز یا سالن ورزشی برای گذران اوقات فراغت وجود ندارد. از لحاظ امکانات بهداشتی-درمانی، تنها یک درمانگاه در محله خیرآباد وجود دارد که دسترسی به آن برای بیشتر ساکنان محله عیش‌آباد مشکل است. تنها در زمینه امنیت در اماکن عمومی، احساس امنیت و آرامش در محله و مدت وقت آزاد، رضایت ساکنان در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد. در بعد اقتصادی، در تمام گویه‌های مورد بررسی، میزان رضایت ساکنان، پایین‌تر از حد متوسط است و در بین گویه‌های مورد بررسی، رضایت از توانایی پس‌انداز کردن در پایین‌ترین سطح قرار دارد؛ زیرا با توجه به هزینه‌های بالای زندگی و درآمد کم، ساکنان این دو محله، توانایی پس‌انداز کردن را ندارند. در بعد محیطی نیز در تمام گویه‌های مورد بررسی، میزان رضایت ساکنان در سطحی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. با توجه به تعداد زیاد ساختمان‌های در حال ساخت، آلودگی‌ها سبب آلودگی معابر و ایجاد مشکل در عبور و مرور پیاده و سواره شده است. همچنین با توجه به اراضی بایر و مخروبه‌های دو محله، این ساختمان‌ها مکانی برای انباشت نخاله‌های ساختمانی و زباله‌های شهری شده است. میزان رضایت از وضعیت کالبدی در دو محله، در سطحی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد، اما در این بین، رضایت از تسهیلات مناسب منزل و رضایت از وضعیت زیرساخت‌ها (شبکه آب، برق و گاز) تا حدودی بالاتر از متوسط است. از دغدغه‌های اصلی ساکنان، راه‌اندازی شبکه فاضلاب است که با توجه به اینکه فاضلاب دو محله، اکنون از طریق چاه دفع می‌شود، مشکل‌هایی برای ساکنان ایجاد شده است.

آزمون خی دو نشان می‌دهد که بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی، رابطه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین، با توجه به اینکه در بیشتر مطالعه‌هایی که تاکنون انجام گرفته، تنها شاخص‌های ذهنی بررسی شده است، می‌توان گفت که برای ارزیابی مناسب‌تر کیفیت زندگی، باید هر دو نوع شاخص‌های عینی و ذهنی به کار گرفته شود؛ زیرا اگرچه شاخص‌های ذهنی در نوع خود مهم‌اند، با توجه به اینکه توقع‌ها و انتظارات افراد با یکدیگر متفاوت است و سنجش آن‌ها به طور دقیق امکان‌پذیر نیست و همچنین به دلیل اینکه شاخص‌های ذهنی، تفاوت زندگی افراد و جوامع و مکان‌های مختلف را به وضوح نشان نمی‌دهد، استفاده از شاخص‌های عینی توصیه می‌شود؛ چراکه با استفاده از آن‌ها، امکان مقایسه نواحی مختلف و برنامه‌ریزی برای آینده وجود دارد.

منابع

۱. اسمیت، دیوید، ۱۳۸۱، **کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی**، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و حکمت شاه‌اردبیلی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۱۸۶ و ۱۸۵.
۲. پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و احداالله فتاحی، ۱۳۹۰، **ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص ۱۳-۳۱.
۳. حاتمی‌نژاد، حسین، منوچهری میان‌دوباب، ایوب، فرجی ملائی، امین و صامت فرهادی، ۱۳۹۰، **تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام‌شده در شهر (مطالعه موردی: شهر میاندوباب)**، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره شانزدهم، صص ۲۱۹-۲۴۳.
۴. رضوانی، محمدرضا، متکان، علی‌اکبر، منصوریان، حسین و محمدحسین ستاری، ۱۳۸۸، **توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)**، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲، صص ۸۷-۱۱۰.
۵. سرایی، محمدحسین، ۱۳۸۵، **الگوهای چندگانه توسعه فیزیکی شهر یزد**، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۴، صص ۷۵-۹۸.
۶. سیف‌الدینی، فرانک، ۱۳۸۱، **فرهنگ وژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
۷. صرافی، مظفر، ۱۳۷۹، **مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای**، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۸. علی‌اکبری، اسماعیل و مهدی امینی، ۱۳۸۹، **کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)**، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶، صص ۱۲۱-۱۴۸.
۹. فتاحی، احداالله، خراسانی، محمدامین و ابوذر پایدار، ۱۳۹۱، **کیفیت زندگی و توسعه انسانی**، نشر انتخاب، تهران.
۱۰. فیروزنیا، قدیر، کاظمی، سیدمهدی و اعظم صادق‌طاهری، ۱۳۹۰، **مطالعه تأثیر ادغام روستا در شهر: روستاهای ادغام‌شده در شهر کاشان**، جغرافیا و توسعه، سال نهم، شماره ۲۵، صص ۷۹-۹۶.
۱۱. قالیباف، محمدباقر، روستائی، مجتبی، رمضان‌زاده لسویی، مهدی و محمدرضا طاهری، ۱۳۹۰، **ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: محله یافت‌آباد)**، جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۳۳-۵۳.
۱۲. کوبکی، افشین، ۱۳۸۶، **معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری**، نشریه هویت شهر، سال اول، شماره ۱، صص ۷۵-۸۶.
۱۳. لطفی، صدیقه، ۱۳۸۸، **مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری**، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴، صص ۶۵-۸۰.
۱۴. وظیفه‌دوست، حسین، ۱۳۸۸، **بررسی میزان اهمیت شاخص‌های کیفیت زندگی شهری تهران از دیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری**، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول، پیش‌شماره سوم، صص ۱-۱۸.
15. Aliakbari, E. and Amini, M., 2010, **Quality of urban life in Iran (1986- 2006)**, Social Welfare, Vol. 10, No. 36, PP. 121-148. (In Persian)
16. Allen, John C., Rebecca Vogt, & Sam Cordes. 2002, **Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes**. Center for Applied Rural Innovation Research Report. University of Nebraska Institute of Agriculture and Natural Resources.
17. Das, D., 2008, **Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati**, Soc Indic Res, Vol. 88, PP. 297-310.
18. Fattahi, A., Khorasani, M. and Paydar, A., 2012, **Quality of Life and Human Development**, Entekhab Publication, Tehran. (In Persian)

19. Firooznia, Gh., Kazemi M. and Sadeghtaheri A., 2011, **Effect of Integrated Rural Villages Embedded in Kashan**, Geography and Development, Vol. 9, No. 25, PP. 79-96. *(In Persian)*
20. Ghalibaf, M., Roostaei, M., Ramezanzadeh, M. and Taheri, M., 2011, **Assess the Quality of Urban Life (Case Study: Yaftabad Neighborhood)**, Geography (Journal - Research Geographic Society of Iran), New Era, No. 31, PP. 33-53. *(In Persian)*
21. Hataminezhad, H., Manoochehri Miandoab, A., Farajemolaei, A. and Farhadi, S., 2011, **Quality of Life in Villages Merged (Case Study: City of Miandoab)**, Geography and Regional Development, No. 16, PP. 219- 243. *(In Persian)*
22. Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G. and Hollander, A., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-Being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts**, a literature study, Landscape and Urban planning, Vol. 65, PP. 5-18.
23. Keles, R., 2012, **The Quality of Life and the Environment**, Social and Behavioral Sciences, V. 35, PP. 23-32.
24. Kokabi, A., 2007, **Criteria for Assessing the Quality of Urban Life in Urban Centers**, Journal of Identity, No. 1, PP. 75-86. *(In Persian)*
25. Lee, Y. J., 2008, **Subjective Quality of Life Measurement in Taipei**, Building and Environment, Vol. 43, No. 7, PP. 1205-1215.
26. Lotfi, S., 2009, **The Quality of Urban Life: Definitions, Dimensions and Measurements in Urban Planning**, Journal of Human Geography, No. 4, PP. 65-80. *(In Persian)*
27. McCarea, R., Shyy, T. K. and Stimson, R., 2006, **What is the Strength of the Link between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?** Applied Research in Quality of Life, Vol. 1, No. 1, PP. 1-156.
28. Poortaheri, M., Eftekhari, A. and Fattahi, A., 2011, **Quality of Life in Rural Areas (Case Study: North Khavh District, Province)**, Human Geography Research, No. 76, PP. 13-31. *(In Persian)*
29. Rezvani, M., Motakan, A., Mansoriyan, H. and Satari M., 2009, **Development of Indicators to Measure the Quality of Urban Life (Case Study: Noor Abad, Lorestan Province)**, Urban and Regional Studies and Research, No. 2, PP. 87- 110. *(In Persian)*
30. Santos, L. and Martins, I., 2007, **Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience**, Social Indicators Research, 80.
31. Saraei, M., 2006, **Multiple Patterns of Physical Development of the City of Yazd**, Geographical Research, No. 84, PP. 75-98. *(In Persian)*
32. Sarrafi, M., 2000, **Foundations of Regional Development Planning**, PBO, Tehran. *(In Persian)*
33. Seyfodini, F., 2002, **Dictionary of Urban and Regional Planning**, 2nd Ed, Shiraz University, Shiraz. *(In Persian)*
34. Smith, D., 2002, **Quality of Life: Human Welfare and Social Justice**, Political Information-Economics, No. 185/186.
35. Vazifedoost, H., 2009, **Evaluation of Quality of Life in Urban Tehran Administrators and Experts in Urban Management**, Urban Management Studies, First year, No. 3, PP. 1-18. *(In Persian)*